

اخبار فرهنگی

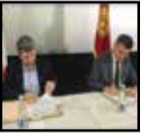
تداوم ابهام‌ها در ماجرای سعدآباد؛ هیچ فرشی پیدا نشده است

معاون حقوقی رئیس جمهوری درباره پرونده سعدآباد، فرش‌های کاخ سعدآباد گفت: هنوز هیچ فرشی پیدا نشده است. محمد دهقان، طی اظهاراتی درباره پرونده سرعت فرش‌های کاخ سعدآباد، که سخنگوی قوه قضاییه در نشست خبری درباره آن توضیح داده بود که «برخی از این فرش‌ها که مدها هستند به سرعت رفته است، در دستگاه‌های دولتی پیدا شدند» گفت: هنوز هیچ فرشی پیدا نشده است؛ فرش سوزن که نیست، او در ادامه افزود: امیدوارم رای صادر شود؛ متهمان بازجویی شوند. مهم برای ما بازگرداندن فرش‌هاست.



هفته فیلم ایران در قرقیزستان افتتاح شد

مراسم افتتاحیه هفته فیلم ایران با حضور مسئولان فرهنگی و سینمایی ایران و قرقیزستان در شهر بیشکک برگزار شد. اداره کل روابط عمومی سازمان سینمایی، هفته فیلم با نمایش آثاری از سینمای ایران همزمان با جشنواره بین‌المللی فیلم بیشکک برگزار می‌شود و فیلم‌های سینمایی: «پسر دلفینی»، «کاپیتان»، «بدون قرار قبلی»، «دسته دختران»، «سال دوم دانشکده من»، «از جمله آثاری هستند که در این هفته فیلم در شهر بیشکک به روی پرده خواهند رفت. نکته قابل توجه استقبال علاقمندان سینمای فیلم‌های ایرانی بود که به بلطیر برخی آثار از قبل پیش فروش و رزرو شده است. علاوه بر هفته فیلم ایران، میزگردی با عنوان «میزگرد سینمای ایران» با هدف معرفی و بررسی سینمای ایران همزمان با این رویداد سینمایی برگزار خواهد شد.



آخرین وضعیت محمدعلی بهمنی در بیمارستان

پزشک معالج محمدعلی بهمنی می‌گوید: شرایط بهمنی بدتر نشده اما نیاز به جراحی اش مرتفع شده است. محمدناصر هاشمیان، درباره آخرین وضعیت این شاعر مطرح که در پی بروز عارضه مغزی در بیمارستان بستری شده، به ایسنا گفت: ایشان رامعاینه کردم؛ تکلمش بهتر شده و چند کلمه‌ای از ایشان شنیدم اما همچنان مراقبت‌های بخش آی‌سی‌یو انجام می‌شود، فشار خونش تحت کنترل است.



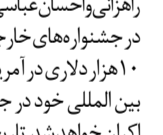
«قوی گنگ» به فرانسه می‌رود

فیلم «قوی گنگ» ساخته احسان عباسی که برنده جایزه ۱۰ هزار دلاری در جشنواره آمریکا شده بود، به فرانسه می‌رود. به گزارش ایلنا به نقل از مشاور رسانه‌ای، فیلم کوتاه داستانی «قوی گنگ» به کارگردانی احسان عباسی و تهیه‌کنندگی مشترک جواد راهزانی و احسان عباسی که پیش از این حضور چشمگیری در جشنواره‌های خارجی داشته و موفق به دریافت جایزه ۱۰ هزار دلاری در آمریکا شده است، در ادامه سفرهای بین‌المللی خود در جشنواره Parsi Parla در فرانسه اکران خواهد شد. تاریخ برگزاری این رویداد هنری ۱۳ تا ۱۴ ژوئن (۲۴ تا ۲۵ خرداد) است. «قوی گنگ» داستان دختری است که در یکی از روستاهای دورافتاده زندگی می‌کند و در تناقض با هویت خود دچار چالش می‌شود. سیده جعفری، شکیبا عسگری، سوگل سیدصدر، رقیه یاسری بازیگران این فیلم هستند.



«بیست و یک هفته بعد» به جشنواره ریندنس انگلیس رفت

فیلم کوتاه «بیست و یک هفته بعد» به کارگردانی نسری محمدپور در ادامه حضور جهانی خود، به سسی و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم ریندنس انگلیس راه پیدا کرد. به گزارش روابط عمومی پروژه، جشنواره فیلم ریندنس (Raindance) مورد تأیید آکادمی اسکار، بفتا و جوایز هنرهای تصویری کانادا است. این جشنواره که بزرگترین جشنواره فیلم مستقل در بریتانیا است از ۳۰ خرداد تا ۸ تیر ماه برابر با ۱۹ تا ۲۸ ژوئن ۲۰۲۴ در لندن برگزار خواهد شد. عرضه و پخش جهانی فیلم کوتاه «بیست و یک هفته بعد» بر عهده شرکت هفت چشمه SEVEN SPRINGS PICTURES است. بنفشه ریاضی، لیلا به مدیريت ميلاد خسرو است. بنفشه ریاضی، لیلا حسین زاده، سودابه بهرامی نژاد و پریرسا عسگری بازیگران فیلم را تشکیل می‌دهند.



درباره نمایش «گنجشک مفرغی» به نویسندگی و کارگردانی شهرام کرمی کابوس و رویای مردمان حاشیه‌نشین



محمدحسن خدایی

روبه تماشاگر ایستاده‌ها و سرگردانی میان واقعیت و خیال می‌گویند. گویی آنان موجوداتی مقهور مابین جهان واقعی و یارو باهای ذهنی بوده و لاجرم متفاد نیروهای طبیعی و ساختاری منکوب‌کننده زندگی، بنابراین در یک چرخه باطل، خود را تکرار کرده و حتی با یافتن گنجی پنهان، وضعیت عمومی شان تغییر نمی‌کند. قسه نمایش البته آشناسان و نشانه‌های روشن از زندگی مردمانی فراموش شده در حاشیه شهرهای کوچک و بزرگ، همان توده بی‌شکل مردمان که مدت‌هاست به حال خود رها شده و در غیاب چشم‌اندازی امیدبخش، کار و بارشان این روزها به مانند «ثریمان»، کاویدن زمین بایر خدا و یافتن گنجی پنهان و شاید دست‌یافتن به مجسمه‌های زیر خاکی ممنوع باشد. بنابراین با اجرای مینی‌مال روبرو هستیم که آدم‌هایش در انتزاعی‌ترین شکل ممکن، بی‌وقفه حرف می‌زنند و در این سکوت بی‌پایان مکان‌های تهی، گذشته‌های کلون‌آینده را با آرزو اندیشی بی‌پایان به انتظاری عبث تبدیل می‌کنند. «گنجشک مفرغی» استعاره‌ای است از یک وضعیت ناپهنگام، نشانه‌ای از توسعه‌نیافتگی همه‌جانبه که قرار است از طریق خیال‌بافی، اندکی تحمل پذیر شود و شاید با یافتن گنجی پنهان و

قصه‌نمایش آشناسان و نشانه‌های روشن از زندگی مردمانی فراموش شده در حاشیه شهرهای کوچک و بزرگ، همان توده بی‌شکل مردمان که مدت‌هاست به حال خود رها شده و در غیاب چشم‌اندازی امیدبخش، کار و بارشان این روزها به مانند «ثریمان»، کاویدن زمین بایر خدا و یافتن گنجی پنهان و شاید دست‌یافتن به مجسمه‌های زیر خاکی ممنوع باشد

پرده نقره‌ای

نگاهی به مستند تحسین شده «میدان بی حصار»

سیمای تاریخ و شهر در سینما

«میدان بی حصار» ساخته مهرداد زاهدیان، مستندی است جامع‌الطراف و موجز که در حداقل زمان ممکن حداکثر اطلاعات مربوط به یک بافت شهری شناخته‌شده و مشهور را ارائه می‌کند.



در ظاهر و سطوح ابتدایی، «میدان بی حصار» درباره میدان توپخانه امام خمینی فعلی است؛ اما در پس این موضوع، بستر مسیوطی از تاریخ و مختصات این منطقه و حتی شهر و کشور ایران ارائه می‌دهد. «میدان بی حصار» در لایه‌های زیرین به سراغ تاریخ معاصر ایران می‌رود و برخی از مهم‌ترین تحولات تاریخی، سیاسی یک سده اخیر سپهر سیاسی اجتماعی ایران را به تصویر می‌کشد؛ از این رو به سستی می‌توان حوزه خاصی را به این مستند نسبت داد. همان اندازه که اجتماعی است، همان قدر سیاسی است. همان میزان که فرهنگی-تاریخی است اقتصادی و شهری است و بالاخره هنری و سرگرم‌کننده. این ویژگی مهمی برای یک اثر هنری به خصوص فیلم مستند بسیار حایز اهمیت و امتیاز است که بتواند ابعاد مختلف یک پدیده، رخداد یا وضعیت و مکان را تبیین کند و دچار زیاده‌گویی، انحراف از موضوع و افراط و تفریط و سیاست‌زدگی نشود. اما به نظر می‌رسد مهرداد زاهدیان به عنوان یکی از فیلمسازان با سابقه در عرصه مستند، توانسته به این مهم برسد و یک مستند دربارۀ یک جغرافیای تاریخی و اجتماعی را به تصویر درآورد. از سئویی، «میدان بی حصار» با وجود اینکه توضیحاتی و تبیینی است در بسیاری از اوقات وارد تحلیل و تفسیر نیز می‌شود و این یکی دیگر



از نقاط افتراق این مستند با دیگر آثار سینمای مستند ایران است یعنی اینکه تنها به وجوه توصیفی و به اصطلاح ویکی‌پدیایی موضوع بسنده نمی‌کند و ضمن لایه‌های بودن، اثر، به تحلیل عوامل و دلایل اتفاقات و پدیده‌ها نیز می‌پردازد. از بعد زیبایی‌شناسی هنری نیز شاهد مستندی موجز و هنرمندانه هستیم که با نشان دادن تصاویر آرشیوی، متنی غنی و تریوشن‌های جذاب و وقایع فهم‌درک دقیق و جامعی به مخاطب درباره یک بافت تاریخی و شهری معاصر می‌دهد که به راحتی و از طریق جستجوی اینترنتی نمی‌توان به آن دست یافت. این نکته افتراق مهمی از مستند است که ناشی از دوسال فعالیت برای تولید مستند بوده است چرا که تماشای مستندهای سال‌های اخیر ما را به نتیجه می‌رساند که آثار مستندسازان بیشتر به پدیده‌های ناب‌الکتفا کرده و در طرح و بسط موضوع به منابع در دسترس و راحت‌الحلقوم و یکی پدیده‌های متوسل می‌شوند که مخاطب به خودی خودی نیز می‌توانسته به سراغ آنها برود و مستند تنها بهانه‌ای برای این کنش‌ها و بررسی شده است. یک نکته جالب مستند و جنوساز یکی آن است که تهران قدیم را تصویر و تداعی می‌کند. «یک کنج میدان کفاشی است، کنج دیگر حمام، آن یکی غذاخوری و چهارمی هم مثلا لب‌فروش‌ها؛ میدان که ردمی شوی، کمی آن طرف‌تر به یک میدان دیگر می‌رسید. دوباره همان شکل و شمایل. یک کنج کفاشی است، کنج دیگر حمام، آن یکی غذاخوری و چهارمی هم مثلا لب‌فروش‌ها؛ هر می‌کنید و می‌رسید به میدان سومی، باز هم همان چیدمان.» این بخشی از زبان روایی مستند است که به شکلی سلیس و شیرین مختصات تجاری میدان را بازگو کرده است. مقایسه میدان توپخانه و دیروز و میدان امام خمینی امروز یکی از استراتژی‌های مهم فیلمساز برای نشان دادن وضعیت گذشته و حال است که با دقت نظر و بدون حب و بغض انجام شده است. قیاس حمل و نقل در آن زمان و حال حاضر و همچنین واکاوی مختصات اصلاح مختلف این میدان باعث شده که مخاطب ضمن گرفتن اطلاعات مختلف از این بافت تاریخی، مسیر توسعه و پیشرفت با تخریب و پسرقت را در طول این سال‌ها به طور زیر پوستی حس کند و فیلمساز بدون زک‌گویی و القانات مستقیم رایج در این گونه آثار در زیر لایه‌ها و از طریق غیر مستقیم پیام و نظر خود را به مخاطب انتقال دهد.

مستند میدان بی حصار اثری ۲۸ دقیقه‌ای است که به سرگذشت میدان امام، توپخانه سابق، طی ۱۵۰ سال گذشته از زمان تالیس تا کنون که محل اتفاقات متعددی بوده است،



شده و به جملات کنایه‌آمیز و فلسفی مبادرت ورزد. همچنین باید از اصغر همت گفت که بعد از مدت‌ها دوری از تئاتر، این بار به عنوان یک پدر که دچار بیماری فراموشی است، به صحنه بازگشته و به خوبی نقش یک پیر مرد امیدوار کشف داده را ایفا می‌کند. همچنان که بلدا عباسی توانسته زنی چون ثریا را با آن همه‌دل‌نگرانی و تنهایی به خوبی بازی کند.

از منظر اجرایی استفاده از تصویر ویدئویی بعد از پایان هر صحنه تقلیل‌گرایانه است و تخیل تماشاگران را در مسیری نالازم قرار می‌دهد. گویا شهرام کرمی در مقام نویسنده و کارگردان، از صحنه‌های که چیده‌های تمامی راضی نیست و از طریق تصویر می‌خواهد نقصان‌ها و کمبودها را جبران کند. شورت‌تانه این فرم اجرایی در استفاده مکرر از تصاویر، کمابیش به ضد خود بدل شده و چندان کارکرد راهگشایی ندارد. گنجشک مفرغی اجرایی خودبسنده و کمینه‌گرایانه، میل آن دارد که یک فضا و مکان به چندان رئالیستی خلق کند که میان واقعیت و روایت‌گرایی است. به هر حال در طول اجرا متوجه می‌شویم که هر چهار شخصیت گم‌گشته‌ای دارند و در پی چیزی یا کسی هستند. این وضعیت ملحق بودن آدم‌های میان واقعیت و خیال، مدام از زبان شخصیت‌ها بیان شده و به تدریج به محافظه‌کاری نمایش منجر می‌شود. شهرام کرمی نمی‌خواهد یا نمی‌تواند مانند کسی چون دیوید لینچ یک فضای شده و دیوانگی به سخن درآید و در روال عادی امور وقعه ایجاد کند. از قضا حضور این شخصیت ناپهنگام، توانسته حال و هوای ملالت‌بار نمایش را اندکی تلطیف کند و لحظات مفرح و تماشایی را برای مخاطبان برساند. مجید رحمتی در نقش ثریما، مانند همیشه خوب و مسلط ظاهر شده اما در لحظاتی که قرار است حجم مرده‌ای را مقابل خود گرفته و هملت‌وار از «بودن نبودن» بگوید، به نظری آید به پیرامونی‌رو، این البته از متن نمایشنامه می‌آید و ضرورتش همچنان برای ما مخاطبان نامعلوم است. در واقع چرا باید شخصی چون ثریما

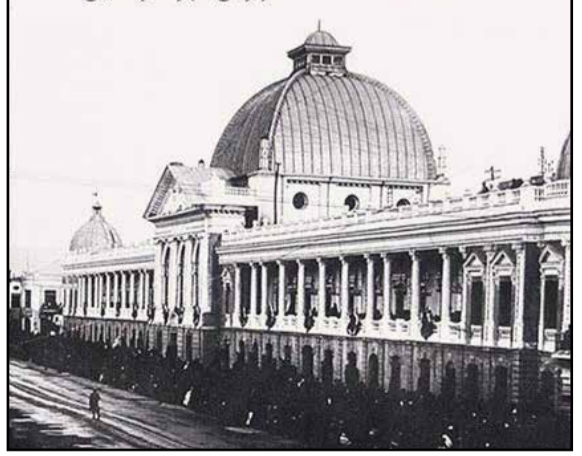
بازی بلدا عباسی و پدر با نقش آفرینی اصغر همت، با تمامی کلماتی که رد و بدل می‌شود، گفتگوی چندانی شکل نمی‌گیرد؛ از این منظر با نمایشی روبرو هستیم که توهمی از گفتگو و تباطور ابروی سازد اما در نهایت ناممکن بودن‌اش را به رخ مامی کشد. اغلب صحنه‌ها بر مدار حضور دو بازیگر بنا شده تضادهای و تفاهات انسانی، خصلتی دیالکتیکی یابد، به هر

«گنجشک مفرغی» استعاره‌ای است از یک وضعیت ناپهنگام، نشانه‌ای از توسعه‌نیافتگی همه‌جانبه که قرار است از طریق خیال‌بافی، اندکی تحمل پذیر شود و شاید با یافتن گنجی پنهان و ممنوع، سعادت دنیوی را ممکن سازد

حال اجرا تا می‌نار دین نظم‌دو نفره را کنار گذاشته و صحنه‌هایی شلوغ‌تر از این بسازد. به لحاظ بازی‌ها حضور شخصیت مجنونی چون منوچ با نقش آفرینی ایمان سلگی که قبل از این اجراهای خوبی از او بر صحنه تئاتر شاهد بودیم، این امکان را مهیا کرده که از یک‌نواختی اجرا کاسته شده و دیوانگی به سخن درآید و در روال عادی امور وقعه ایجاد کند. از قضا حضور این شخصیت ناپهنگام، توانسته حال و هوای ملالت‌بار نمایش را اندکی تلطیف کند و لحظات مفرح و تماشایی را برای مخاطبان برساند. مجید رحمتی در نقش ثریما، مانند همیشه خوب و مسلط ظاهر شده اما در لحظاتی که قرار است حجم مرده‌ای را مقابل خود گرفته و هملت‌وار از «بودن نبودن» بگوید، به نظری آید به پیرامونی‌رو، این البته از متن نمایشنامه می‌آید و ضرورتش همچنان برای ما مخاطبان نامعلوم است. در واقع چرا باید شخصی چون ثریما

میدان بی حصار

کاری از مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی کارگردان: مهرداد زاهدیان



می‌پردازد. این مستند تحسین شده پیشتر تندیس بهترین پژوهش و تندیس بهترین فیلم راز جشن خانه سینما و جایزه ویژه بهترین تحقیق، تندیس طلایی شهری و تحقیق، گفتار متن و بهترین کارگردانی فیلم کوتاه از دومین جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت دریافت کرده است. زاهدیان با کارگردانی فیلم‌هایی چون «تخت جمشید»، «ارگیم»، «مسیح در جلفا»، «کرمان دل عالم»، «فارس فراسوی خیال»، «خاطرات روی شیشه»، «حلقه‌های گم‌شده» و... همواره به کالبدشکافی آثار و حوادث تاریخی پرداخته و مخاطب را به دل تاریخی برده که فراموش شده یاد در حال فراموشی است.

عکس‌ها: رضا جلیلی